

بہارِ خدا

وحشت در
دبستان شومیان

جنگِ سام و ماشینِ غول پیکر!

هوپا

Hoopra

وحشت در دبستان شومیان ۶



جنگِ سام و ماشینِ غول پیکر!

جک شابرث
تصویرگر: سام ریکس
مترجم: مونا توحیدی

EERIE ELEMENTARY 6: SAM BATTLES THE MACHINE!

Text copyright © 2017 by Max Brallier.

Illustrations copyright © 2017 by Scholastic Inc.

All rights reserved. Published by arrangement with Scholastic Inc., 557 Broadway, New York, NY 10012, USA
Illustrations by Sam Ricks.

Persian translation Copyright © 2021 by Houpa Publication

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی نشر هوپا از نویسنده‌ی کتاب، جک شابرث و ناشر خارجی آن، اسکولاستیک، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است. اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت جک شابرث این کار را کرده است.

سرشناسه: چابرت، جک
Chabert, Jack

عنوان و نام پدیدآور: جنگ سام و ماشین غول‌پیکر! / نویسنده جک شابرث؛ تصویرگر سام ریکس؛ مترجم مونا توحیدی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.

فروست: وحشت در دبستان شومیان؛ ۶.

شابک: ۰-۱۴۱-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸؛ دوره ۲-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Sam battles the machine!

موضوع: داستان‌های نوجوانان آمریکایی-- قرن ۲۱م.

موضوع: Young adult fiction, American-- 21st century

شناسه افزوده: ریکس، سام، تصویرگر

Shanks, Sam

شناسه افزوده: توحیدی صفت، مونا، مترجم

رده بندی کنگره: ۸۱۳/۶ [ج]

رده بندی دیویی: ۶/۵ PS۳۶۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۹۷۸۲۲

وحشت در دبستان شومیان ۶ جنگ سام و ماشین غول‌پیکر!

نویسنده: جک شابرث

تصویرگر: سام ریکس

مترجم: مونا توحیدی

ویراستار: شایسته ابراهیمی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: فائزه فغفوری، فربا دولت‌آبادی

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۰-۱۴۱-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

شابک: ۰-۱۴۱-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵؛ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

www.houpa.ir info@houpa.ir

■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

■ استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.

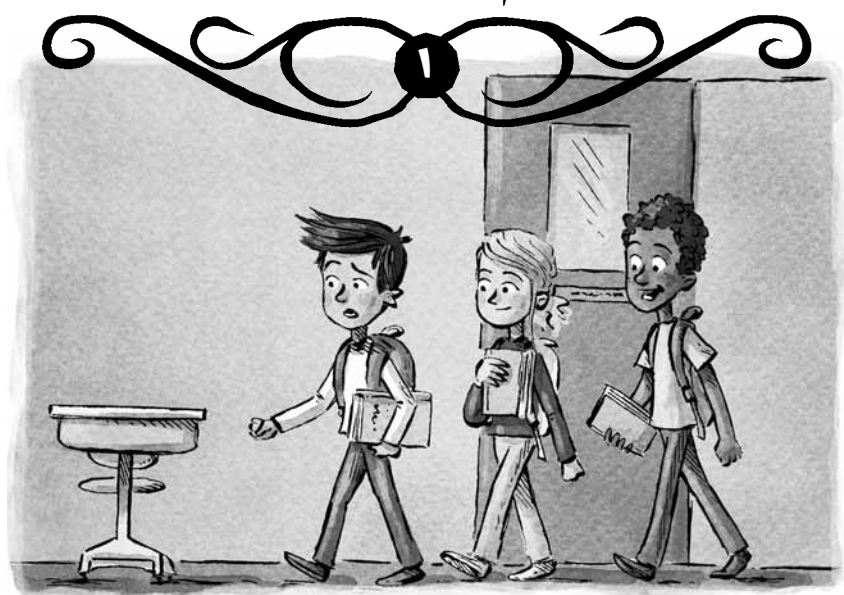


فهرست

۱. معلم جدید عجیب ۹
۲. یک شومیان دیگر؟! ۱۴
۳. رفتار عجیب ۱۹
۴. رازِ کلاسِ موسیقی ۲۳
۵. کشفِ حیرت‌انگیز ۲۹
۶. تعقیب! ۳۴
۷. خانهِ شایرون شومیان ۴۱
۸. غافلگیری ۴۵
۹. ماشینِ مرموز ۵۰
۱۰. همه چیز خوب پیش می‌رود ۵۷
۱۱. برخورد نزدیک! ۶۲
۱۲. و ماشین روشن می‌شود... ۶۸
۱۳. او حرف می‌زند! ۷۴
۱۴. شایرون غول‌آسا ۸۱
۱۵. ضربی نهایی ۸۶
۱۶. نزدیک‌تر از همیشه ۹۲

تقدیم به
معلم‌ها و کتابدارهای سراسر دنیا.
از زحماتتان متشکرم!
ج. ش.

معلم جدید عجیب



صبحِ شنبه بود. سام و دوست‌های صمیمی‌اش، آنتونیو و لوسی، داشتند می‌رفتند سرِ کلاسشان در پایه‌ی سوم.

سام پرسید: «پس خانم گرینکر کجاست؟»

آنتونیو گفت: «جدی پرسیدی؟ چطوری یادت رفته؟ من که

کلی منتظرش بودم!»

سام پرسید: «منتظر چی؟»

لوسی با هیجان گفت: «این هفته یک معلم دیگه می‌آد سرِ کلاسمون! خانم گرینکر رفته مسافرت، یادت اومد؟»

سام پاک فراموش کرده بود. وقتی روی نیمکتش نشست، حسابی احساسِ خوشحالی کرد، از آن خوشحالی‌ها که فقط با نیامدنِ معلم به آدم دست می‌دهد! آخر همه می‌دانند یک هفته بدونِ معلمِ اصلی یعنی یک هفته‌ی فوق‌العاده.



آنتونیو گفت: «قول می‌دم هیچ مشقی هم نداشته باشیم!»

سام لبخند زد. یک هفته بدونِ درس و مشق واقعاً آرامش‌بخش بود. آن هم حالا که سام و دوست‌هایش بدجوری به آرامش نیاز داشتند...

آقای نکوبی، همان سرایدارِ پیرِ مدرسه، سام را به‌عنوانِ مأمورِ انتظاماتِ دبستان انتخاب کرده بود. حقیقتِ هولناکِ دبستانِ شومیان را هم او به سام گفته بود: اینکه مدرسه زنده است! یک موجودِ زنده که نفس می‌کشد! یک هیولا! و حالا فقط آقای نکوبی، سام، آنتونیو و لوسی از این راز خبر داشتند. از وقتی آقای نکوبی این حقیقت را به آن‌ها گفته بود، دیگر هیچ‌چیز در مدرسه مثلِ قبل نبود و آرامش سابق را نداشت.



سام از دوست‌هایش پرسید: «فکر می‌کنید کی به جای خانم گرینکر می‌آد سرِ کلاسمون؟»

لوسی به‌طرفِ در اشاره کرد و گفت: «مثل اینکه قراره الان بفهمیم.»

معلم جدید آن قدر سریع رفت پای تخته که وسط راه پایش گرفت به یک صندلی و نزدیک بود بیفتد. یکی از بچه‌ها خنده‌ی ریزی کرد. آقای معلم به روی خودش نیاورد و شروع کرد به نوشتن اسمش روی تخته.

لوسی با آرنج زد به پهلوی سام و گفت: «چی داره می‌نویسه؟» آنتونیو که ریزریز می‌خندید، گفت: «مثل بابای بابابزرگ من لباس پوشیده!»

اما یک لحظه بعد، خنده روی لب‌های لوسی و آنتونیو خشک شد. آقای معلم اسمش را نوشته بود و برگشته بود رو به کلاس. سام اسم روی تخته را خواند. عرق سردی بر پشتش نشست. لرزش دست‌هایش شروع شد و حس کرد سرش دارد گیج می‌رود. حسابی ترسیده بود.

اسم معلم جدید این بود:

آقای شومیان



آقای وینیک، مدیر مدرسه، دم در کلاس ایستاده بود. قدبلند و چهارشانه بود و همیشه یک عینک ته‌استکانی سیاه می‌زد. رو به کلاس کرد و گفت: «بچه‌ها! همون طور که می‌دونید، این هفته یک معلم دیگه می‌آد سر کلاستون. لطفاً

همون طوری که به خانم گرینکر احترام می‌گذاشتید به ایشون هم احترام بگذارید.»

آقای وینیک از کلاس بیرون رفت و معلم جدید، با قدم‌های کوتاه، تندتند وارد شد. قدبلند بود، اما آنقدر لاغر بود که فکر می‌کردی هر لحظه ممکن است بشکند.



قیافه‌اش به نظر سام آشنا می‌آمد، اما نمی‌دانست چرا.

یک شومیان دیگر؟



قلبِ سام توی سینه‌اش مثلِ طبلِ گرومپ‌گرومپ می‌کوبید.
اسمِ رویِ تخته را بارها و بارها خواند. هر بار امیدوار بود که اشتباه دیده باشد.

اما نه! اسمِ معلمِ جدید واقعاً آقای شومیان بود.
سام با خودش فکر کرد: «یعنی این مرد به شایرون شومیان ربط داره؟»



شایرون شومیان همان معماری بود
که صدها سال پیش، نقشه‌ی دبستانِ
شومیان را کشیده بود. دانشمندی
دیوانه که راهی پیدا کرده بود که تا
ابد زنده بماند: خودش را به مدرسه

تبدیل کرده بود! بله، دبستانِ شومیان خودِ شایرون شومیان
بود! سام و دوست‌هایش تا به حال بارها و بارها با دبستانِ
شومیان جنگیده بودند. تازه چند هفته‌ی پیش یک چیزِ ترسناک
و تکان‌دهنده هم فهمیده بودند: شایرون شومیان می‌خواسته
دوباره به زندگی برگردد؛ یعنی درست مثلِ یک آدمِ واقعی که
گوشت و خون دارد!

سرِ سام پُر از فکر و سؤال شده بود: «ممکنه این مرد همون
شایرون شومیان باشه؟ ممکنه واقعاً دوباره زنده شده باشه؟»
برگشت و به آنتونیو و لوسی نگاه کرد. قیافه‌ی آن‌ها هم پر از
ترس و وحشت بود.

شَلَب!

آقای شومیان دست‌هایش را به هم کوبید. یکهو کلِ کلاس
ساکت شد.

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....

کتاب‌فروشی‌های هوپا
www.hoopabooks.ir



اینستاگرام هوپا
hoopa_publication



سایت هوپا
www.hoopa.ir



کانال تلگرام هوپا
<https://t.me/hoopabooks>



هوپا مارکت، فروشگاه اینترنتی هوپا
www.hoopamarket.com

